

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

پیکار پامیر

۱۰/۱۲/۲۳

## "نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان"

### جلد اول

#### طالبان چگونه آمدند؟

برای آنکه موضوع نزد خواننده عزیز دقیقاً ریشه یابی گردد، قبل از پرداختن به انکشافات بعدی مسأله، سند معتبری را به زبان انگلیسی و ترجمه دری آن در اینجا درج میکنیم که از طرف کمیته ضد تروریسم مجلس سنای ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۹۰ میلادی بیرون داده شده و در همان سال در شماره هفتم و هشتم مجله "آئینه افغانستان" در کالیفورنیای امریکا به چاپ رسیده است:

متن انگلیسی . . .

ترجمه دری سند فوق قرار آتی است:

"کمیته تحقیقاتی حزب جمهوریخواه پیرامون تروریسم و جنگهای غیر متعارفی واشنگتن دی. سی - ماه اپریل ۱۹۹۰ م

دستگاه استخبارات نظامی پاکستان (آی.اس.آی) یک "اردوی افغانی" را به صورت آشکارا تربیه نموده، توسعه داده، کنترل کرده و آنرا به منفعت حزب اسلامی گلبدین حکمتیار استعمار و به کار می اندازد. { درحالیکه بعداً این اردوی مجهز به نام طالبان و به جای حزب اسلامی گلبدین به کار انداخته شد} آی. اس. آی قصد دارد تا این قوای افغانی را برای درهم کوبیدن دیگر قوای مجاهدین که در داخل افغانستان به صورت محلی فعالیت دارند، به کار برده و در فرجام راه را برای پیروزی گلبدین حکمتیار هموار ساخته و یا طرق حل سیاسی مسأله افغانستان را به شکلی در آورد که برای اسلام آباد قابل قبول باشد. پاکستانیها به تشکیل اردوی متشکل از فراریان قطعات اردوی کابل و از کمپ های پناهندگان در ۱۹۸۶ شروع کرده اند و میخواهند آنرا در برابر دیگر قوای مقاومت افغانی و در مقابل پشتونهای پاکستان استعمال کنند و این طرحیست که در حال آماده باش برای تعمیم و انجام هدف بزرگ پاکستان قرار گرفته است. جلب افراد و تعلیم و تربیه واحدهای جدید اردوی افغانی ساخته دست (آی. اس. آی) در ماه های اخیر به صورت چشمگیری توسعه یافته است. برای آنکه درجنگهای بهار آینده از آن کار گرفته شود، نظر به معلوماتیکه از منابع مقاومت گرفته شده اردوی ۲۰۰۰ - ۲۵۰۰ نفری مذکور فعلاً سه چند بزرگتر شده کیفیت و کمیت تجهیزات آنها بسیار انکشاف نموده است. قسمت بزرگ اسلحه و تجهیزات این اردو از ذخایر (آی.اس.آی) که

برای قوای مقاومت افغانی تخصیص داده شده بود، به اختیار اردوی مذکور گذارده شده است. علی رغم موجودیت افغانهای شایسته، اردوی مذکور به صورت عمومی تحت فرماندهی منصبداران پاکستانی و یا افغانهاییکه از طرف (آی.اس.آی) کنترل میشوند، قرار داده شده است. بنابراین گزارشات، در این اردو یکتعداد منصبداران عرب، به خصوص مصری و از شیخ نشین های خلیج نیز وظیفه دار گردیده اند. منصبداران پاکستانی ظاهراً رضاکارانی هستند که به مقصد اشتراک در جهاد افغانستان ازوظایف خود ها در اردوی پاکستان استعفاء داده اند، ولی منابع مقاومت ادعا میکنند که صاحب منصب ها و خورد ضابطان مذکور با وجود آنکه یونیفورم نظامی در بر ندارند، از جمله کسانی هستند که به لوای مخصوص پاکستان و آی.اس. آی مربوط میباشند. آی. اس. آی و اسلام آباد توسط همین پرسونل حرفه ئی کنترل خود ها را بالای این اردو ئی که به نام " لشکرآزاد افغانی" { بخوانش گروه طالبان} یاد میشود، قایم کرده اند. واحد های عمده این اردوی افغانی ساخته دست آی.اس.آی قرار ذیل است :

**رجنت قندهار:** این، اولین واحدی بود که تحت اداره آی اس آی به وجود آمد. لوای مذکور در تابستان ۱۹۸۸ از اجیران اسلامی افغانی که برای مقاصد داخلی پاکستان از طرف آی. اس. آی استخدام میشدند، تشکیل گردید. در اواخر سال ۱۹۸۸ که قوای حاجی بابا و (محاذ ملی اسلامی افغانستان) مشترکاً حرکاتی را در قندهار از پیش برده و موفقیتی هم به دست آورده بودند تا با مذاکره با والی قندهار و همکاری قبایل پشتون شهر قندهار را بکشایند. آی اس آی به عجله به گلبدین حکمتیار مراجعه نموده و قوای ۱۵۰۰ نفری لوای مذکور را که تحت قومنده مستقیم (آی. اس. آی) بود، به قندهار فرستاد تا پیروزی را به نام حزب اسلامی خاتمه بخشد. بیم آن موجود بود که مسلمانان شامل در قوای والی قندهار و قوای قبایل پشتون ها به دور عصمت الله مسلم جمع شده به طرفداری از حکومت کابل برخیزند و قوای آی اس آی را تار و مار نمایند. در دوران این سلسله وقایع، جنگ سختی در بین واحد (آی اس آی) و قوای مقاومت محلی در گرفت. بعد از این واقعه است که واحد مذکور دو باره تجدید سازمان یافت و نفرات آن به ۲۰۰۰-۲۵۰۰ نفر افزایش یافت و شکل یک لوای تقویه شده را به خود گرفت. این لوا فعلاً در بلوچستان پاکستان عملیات مینمایند و تا اندازه کمی هم در حرکات داخل افغانستان در ولایت قندهار اشتراک میکند.

**رجنت تخار :** تعلیم و تربیه و سازماندهی این واحد جنگی عنقریب به پایه تکمیل میرسد. این لوا نیز مرکب از ۲۰۰۰-۲۵۰۰ نفر میباشد. یکی از جمله آن واحد های (افغانی) میباشد که شدیداً کنترل و مراقبت میشود و به سرعت و به شکل بهتری مجهز میگردد. لوای تخار واضحاً به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار تعلق دارد و از طرف (آی.اس.آی) برای عملیات در نزدیکی سرحدات شوروی حاضر و آماده ساخته شده است. اداره لوا در تحت قومنده شخصی به نام (بشیرچاه آبی) قومندان حزب اسلامی در ولایت تخار که مسؤول قتل وحشیانه چندین قومندان احمد شاه مسعود (شورای نظار) در ماه جون ۱۹۸۹ میباشد، گذارده شده است. مقامات قوای مقاومت افغانستان خاطرنشان میسازند که لوای فوق الذکر که در زیر نظارت آی اس آی تشکیل شده است در ولایات شمال شرقی افغانستان به غرض نابود ساختن احمد شاه مسعود به کار انداخته خواهد شد، اما منابع غربی نزدیک به گلبدین حکمتیار اصرار میورزند که این قوه مخصوص آنست که در شمال در برابر شورویها بجنگند، مگر مسعود چون به اینکار رضائیت نمیداد، لاجرم قوه مذکور میباید مبارزه نمود تا راه خود را به طرف تخار باز کرده و از ولایت مذکور که تقریباً ظرف یکدهه گذشته تحت کنترل مسعود است، عبور نماید. لوای تخار در حال حاضر تحت آموزش پیشرفته نظامی قرار دارد و جامع ترین تربیه ممکنه برای آن تهیه و آماده گردیده است. نظر به گفتار منابع مقاومت افغانستان، لوای تخار از طرف آی اس آی به شکل پارچه ای از ( اردوی متعارف) در خواهد آمد. در اوایل اپریل سال جاری این لوا برای نبرد آماده بود، اما آی اس آی در نظر دارد تا آنرا در اواخر ماه اپریل و یا اوایل ماه

می به جبهه جنگ سوق دهد. یعنی در وقتیکه کوتلها تماماً باز باشد و امکانات آن میسر گردد که تعرض به استقامت قلمرو مسعود انکشاف داده شود.

**رجمنت خوست :** لوی سوم که قدرت ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر به صورت بسیار شتابزده تشکیل ، تربیه و مجهز گردید. ساختمان این لوی عبارت است از ترکیبی از افغانهای اجیر که توسط آی اس آی قبلاً در زد و خورد ها به مقابل قبایل پشتون استخدام شده بودند و هم بکعداد افغانهای نسبتاً جوان که به تازگی به خدمت سر بازی جلب گردیده اند. ( اکثر اینها زمانیکه به پاکستان آمدند اطفال و یا نو بالغانی بودند که در کمپهای پناهندگی زیر تلقینات حزب اسلامی قرار گرفتند. )

اساساً این لوی به آن نیت به وجود آورده شده است که به حیث نردبان هجوم در جنگ به مقابل پشتونهای پاکستان قرار گیرد. هنگامیکه پاکستان در اواسط ماه مارچ در جنگ خوست به یک نردبان هجوم نیاز احساس کرد، لوی مذکور آمادگی جنگی گرفت تا عملاً در نیرو های داخل افغانستان سهم گیرد."

چنانکه پسانها دیده شد، این رجمنت ها یا لوی های تشکیل شده در خاک پاکستان، عبارت از همان طالبانی بودند که در سال ۱۹۹۵ میلادی از شهر کویت به پاکستان غرض اشغال افغانستان فرستاده شدند.

حکومت پاکستان نسبت به هر تنظیم دیگر، به حزب اسلامی گلبدین و نسبت به هر امیر دیگر، بالای امیر گلبدین حساب میکردند و به او اعتماد داشتند. اما قبل از سقوط رژیم "نجیب الله" و بعد از آن نیز عملاً قدم به قدم دیدند که مردم افغانستان هرگز به گلبدین اعتماد نداشته و او را به هیچ وجه از خود نمیدانند. بنابراین، همان بود که به منظور تطبیق بخشهای باقیمانده برنامه های استعماری، پروژه "طالب" سازی را تسریع کردند. باید گفت که انگیزه های شدید اقتصادی مقامات امریکائی و عربستان سعودی و همچنان، منافع منطقه ئی بریتانیا این پروژه پاکستانی ها را تقویت کرد و سرعت بخشید. بدین معنا که سقوط امپراتوری شوروی و آزادی کشورهای مسلمان نشین شمال افغانستان، انگیزه دو جانبه سیاسی - اقتصادی را بار آورد. کمپنی های بزرگ نفت و گاز ایالات متحده ، به خصوص کمپنی عظیم "یونوکال" و نیز، کمپنی های جهانخوار ارژنتاین (بریداس) ، عربستان سعودی (دلنا آیل)، پاکستان (کرسنت گروپ) و غیره، با مطالعات جیولوژیکی که در منطقه انجام داده اند به این نتیجه رسیده اند که ذخایر عظیم زیر زمینی و از جمله، نفت و گاز طبیعی در کشور های تازه به استقلال رسیده و به ویژه در خاک ترکمنستان خیلی زیاد است . (مثلاً، تنها گاز طبیعی ترکمنستان را سی میلیارد متر مکعب تخمین کرده اند.) به اساس خواست و نیت کمپنی های ذکر شده، اینهمه ذخایر زیرزمینی باید استخراج گردیده و به سود آنها انتقال داده شود.

انتقال نفت و گاز ترکمنستان تا ذخیره خانه های کمپنی های نفتی امریکا، عربستان سعودی، پاکستان و دیگران، لوله کشی گسترده ای را ایجاب میکند و باز، لوله های نفت باید از سرزمین های دیگران مانند ایران یا افغانستان ، چین یا روسیه عبور داده شود. بنابراین، کمپنی های نفتی ایالات متحده، سعودی و پاکستان به مطالعه و بررسی دیگری غرض جست و جوی کوتاه ترین راه و کم خرج ترین طریق پر داختمند. آنها چنین نتیجه گرفتند که افغانستان یگانه کشوریست که خط لوله نفت و گاز از ترکمنستان تا بلوچستان (تا بندر بصری گوادر)، از بالای آن باید عبور داده شود. مجموع مسیر این لوله از عشق آباد پایتخت ترکمنستان تا بندر ذکر شده (یکهزار و چهارصد و شصت و چهار کیلو متر و مصارف مجموعی آن به هشت بلین دالر امریکائی) تخمین زده شده است .

کمپنی های مذکور بعداً با یکجا شدن سایر کمپنی ها مانند "یاتوشو" ی جاپان ، " گارپروم" روسیه، " هوندائی" کوریا و دیگران، کنسرسیومی را در این زمینه تشکیل دادند. اینها، موضوع دیگری را نیز تحت بررسی می گرفتند و آن اینکه در افغانستان بعد از سقوط رژیم کودتای ثور و حاکمیت تنظیم های اسلامی - جهادی، دیگر تنها دولت

مرکزی قانونی وجود ندارد، بلکه گروه ها و تنظیم های مسلح مختلف در شهر ها و ولایات این کشور حاکم اند که در تحت حاکمیت انارشیستی آنان چنین پروژه بزرگ و پرخرج مصونیتی نخواهد داشت. پس چنین فیصله کردند که به یک گروه مسلح، بیرحم و سر سپرده تازه نفس نیاز است تا سرکوبگر و مطیع سازنده گروه های مسلح یاعی بوده راه را برای کمپنی های طماع نفتی در افغانستان هموار سازد. این اندیشه و پلان، بازم به سود سردمداران مالی و حکومتی پاکستان تمام شد و بار دیگر آنان را تعیین کننده سرنوشت خونین مردم افغانستان گردانید.

شبکه استخبارات نظامی پاکستان که قرار تحلیل و گزارش کمیته ضد تروریسم مجلس سنای امریکا، با سوءاستفاده از شرایط مساعد سیاسی، با سلاح و سرمایه جهاد مردم افغانستان، قبلاً چنین گروه سر سپرده و دستور پذیرا آماده ساخته بود، از پلان و پروژه کمپنی های بزرگ نفتی نه تنها استقبال نمود، بلکه با دیپلماسی خاص و مزورانه نوع پاکستانی، آنرا تسریع و تقویت نیز کرد. زیرا برای سردمداران پاکستان، رسیدن به هدف های از قبل تعیین شده در افغانستان به هر وسیله ممکن مورد استقبال و پذیرش بوده و هست. بنابراین، برای آنها اشکالی نداشت اگر گروه مسلح تازه نفس را ظاهراً با نیروی حزب اسلامی گلبدین تعویض نمایند. همینجا بود که کشور های امریکا، عربستان سعودی، بریتانیا و پاکستان، به توافق پشت پرده رسیدند که بر مبنای آن، از همان "رحمت" ها یا لوا های مسلح ساخته شده، تمرین دیده و آماده ای که قبلاً در خاک پاکستان به وجود آورده شده بود، با برنامه ریزی بریتانیا، بامصرف مالی عربستان سعودی و تأیید و مدیریت ایالات متحده امریکا دست به کار شوند. قبل از آغاز عملیات، نصیرالله بابر وزیر امور داخله حکومت بینظیربوتو در رأس یک هیأت نه نفری و به بهانه "سروی" راه آهن میان پاکستان- افغانستان- آسیای میانه، از راه زمین به قندهار و هرات و از آنجا به کشورهای آسیای میانه مسافرت نمود. در این مسافرت، سفرای ایالات متحده، چین، ایتالیا، فرانسه، آلمان، جاپان و اسپانیه نیز نصیرالله بابر را همراهی میکردند. هیأت، با اسماعیل خان والی هرات، گل آغا خان والی قندهار و ملا نقیب الله قومندان اردوی قندهار نیز دیدار به عمل آورد. این مسافرت البته خودسرانه و بدون استیذان حکومت مرکزی افغانستان و مغایر معاملات بین المللی صورت گرفت. چنانکه حکومت برهان الدین ربانی علیه این حرکت غیر قانونی اعتراض نمود، ولی مقامات پاکستانی به این اعتراض رسمی وقعی قایل نشدند. قبل از آن نیز افواهایی مبنی بر ملاقات پنهانی مولانا فضل الرحمن رهبر جمعیت العلمای اسلام پاکستان با عده ای از رهبران احزاب جهادی در جلال آباد انتشار یافته بود. مدتی پیش از آن نیز تحرکات و مهمه هائی مبنی بر سازماندهی طلاب مدارس دینی پاکستان به گوشها میرسید. زیرا مولانا فضل الرحمن و مولانا سمیع الحق رهبران جمعیت العلمای اسلام پاکستان با همکاری و هموائی مقامات آی. اس. آی به خاطر گرد آوردن طلبه های مدارس تحت فرمان شان از قبیل مدرسه دارالعلوم اشرفیه بلوچستان، مدرسه دارالعلوم قاسمیه در ملتان، مدرسه تافی القرآن در منطقه رحیم یارخان، مدرسه دین پرور رحیم آباد، مدرسه اسلامیة فیض العلوم، مدرسه سچوال در حیدر آباد سند، مدرسه دارالتوحید مستقر در راولپندی، مدرسه دارالعلوم حامدیه واقع در خیبر اجنسی، مدرسه دارالعلوم چانیوتی و دارالهدی و غیره داخل فعالیت وسیع شده بودند.

"انتونی دیویس" در جای دیگری از کتاب خویش چنین مینگارد :

" بابر که دوست خانوادگی و شخص مورد اعتماد خانواده بوتو بود، در میانه دهه ۱۹۷۰ نقش پیشتازی را در تعیین پالیسی افغانی برای پدر بوتو بازی نمود و به شهرتش به عنوان یک کارشناس در امور افغانستان افتخار مینمود. در دهه ۱۹۷۰ به ابتکار بابر که خودش یک پشتون دارای معلومات کافی از سرحدات شمال غرب و تشنه برای عملیات Clandestine بود، به اسلام گرایان تبعیدی افغانستان هرکدام برهان الدین ربانی، گلبدین حکمتیار و

احمد شاه مسعود پناهندگی داده شد و آنها مخفیانه تحت تعلیم مربیان گروه سرویس خاص ( Special Group Service) قرار گرفتند. دو دهه بعد از بازی بزرگ، دلچسبی بیش از حد بابر برای یک راه امن تجارتی پاکستان به آسیای مرکزی زیاد شده میرفت، چیزی که اقتصاد درهم پاشیده کشورش را رونق میداد. با بسته بودن شاهراه سالنگ از شمال کابل تا ازبکستان در اثر جنگ، در جون ۱۹۹۴م بابر برای اولین بار در یک جلسه کابینه علاقمندی حکومت را به یک راه زمینی از کویته الی ترکمنستان و آسیای مرکزی از طریق قندهار و هرات اعلام نمود. در سپتمبر، او به چمن بالای سرحد بلوچستان-افغان جایی که سرک کویته - قندهار از آن عبور میکند، سفر نموده و شاهراه را در داخل افغانستان سروی نمود. "

مقامات حکومتی و استخباراتی پاکستان، خود کامگی و روشهای مداخله گرانه شان را تا آنجا به کار گرفتند که به تاریخ پنجم ماه مارچ سال ۱۹۹۶م اعلام کردند " پاکستان در نظر دارد تا راه بین سپین بولدک و تورغندی را که بیشتر از هشتصد کیلو متر فاصله دارد اعمار نمایند، مصارف تعمیر این راه به سه میلیون دالر میرسد، در اعمار این پروژه انجینیران پاکستانی و کارگران مربوط گروه طالبان خواهند بود"

البته رژیم برهان الدین ربانی در برابر این اعلامیه مقامات پاکستانی، اعتراضیه رسمی را به نشر رسانید. مگر حلقات وطنپرستان افغانستان در عین حالیکه قدرت دولتی و اجرائی نداشتند، از این ناحیه سخت نا راحت گردیدند. " پوهاند اصغر" رهبر حزب رستگاری ملی در این مورد اظهار داشت :

" ولایات قندهار، هلمند، هرات و زابل جز لایتجزای افغانستان اند. این اقدام پاکستان ثابت می سازد که آنها این چهار ولایت را از خود فکر میکنند و طالبان نیز ثابت کردند که مزدوران اجنبی اند. بین این مداخله و مداخله صدام بر کویت هیچ فرقی دیده نمیشود.

سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان به جواب اعتراضیه رسمی حکومت مرکزی افغانستان که برهان الدین ربانی در رأس آن قرار داشت، پیرامون این مسافرتها و کار ترمیم شاهراه چمن - تورغندی به خبرنگاران در اسلام آباد گفت :

" حکومت پاکستان اعتراض دولت اسلامی افغانستان به رهبری برهان الدین ربانی را در مورد معطل قرار دادن کار پروژه سرک چمن - تورغندی نا دیده گرفته و پلان مجوزه خود را عملی میکند . . . "

در پایان همین مسافرت های اعتراض آمیز مقامات پاکستانی به مناطق جنوب غربی کشور بود که حکومت پاکستان یک کاروان حامل مالتجاره ( شامل سی و دو عراده ترک) را به قصد عشق آباد مرکز ترکمنستان، از چمن کویته به سوی قندهار فرستاد. علاوه از آنکه راننده های این ترکها از جمله کارمندان آی اس آی یا استخبارات نظامی پاکستان بودند، تعدادی از افسران عالی رتبه این شبکه مانند کرنیل امام و "گل" (نام مستعار) نیز کاروان را همراهی میکردند. جالب اینست که دو تن از افراد " افغانی" بنام های "ملا بورجان" و "ملا ترابی" نیز ضمیمه این کاروان شده بودند. وقتی گروه طالبان روی صحنه سیاسی افغانستان آمدند، همین دو نفر از جمله سرکردگان آنها بودند.

چون این کاروان بزرگ بدون اجازه و موافقت حکومت مرکزی و خلاف تعامل کونسل فی مابین دو کشور و حتا بدون آنکه راننده و عمله آن دارای ویزه و پاسپورت قانونی باشند، وارد خاک افغانستان شده بودند، بنابراین، منظور اچیزی یکی از طرفداران عصت مسلم، استادلیم از حزب اتحاد اسلامی سیاف و قومندان "لالی" مربوط جبهه نجات ملی، کاروان را در محلی به نام " تخته پُل" قندهار متوقف ساختند. پاکستان که اصلاً منتظر چنین عکس العمل بود تا دست آویزی غرض آغاز عملیات جنگی خویش داشته باشد، همان " لوا" ی تازه نفس را که با پیشرفته

ترین سلاح های جنگی مجهز ساخته شده و افراد و افسران نخبه آیی اس آی نیز در آن شامل بودند، از پایگاه های نظامی کوئته به سوی قندهار سوق داد.

نخستین برخورد مسلحانه "طالبان" با افراد حزب اسلامی گلبدین به قوماندانی ملا اخترجان در ولسوالی "سپین بولدک" و با سه صد نفر مسلح صورت گرفت. این محل را حزب اسلامی در سال ۱۹۹۱ م با پشتیبانی آتش توپخانه پاکستان از اختیار رژیم نجیب الله بیرون کشیده بود و بعد از آن، آیی اس آی بزرگترین ذخایر سلاح را در آنجا تعبیه نمود. افراد حزب اسلامی در اثر این حملات، به زودی تار و مار شده تمام سلاح ها به اختیار نیروی "طالبان" قرار داده شد. شاهدان عینی و منابع دیپلماتیک اظهار داشتند که حمله کنندگان توسط آتش توپخانه از آنطرف سرحد حمایه می شدند. خارجی هائی که در آن موقع شهر قندهار را به قصد کوئته ترک میگفتند، با چشم سر دیدند که افراد این گروه نو ظهور که همه آنها دارای ریش و عمامه و ملبس با لباس های افغانی نوع قبایلی بودند، صندوقهای سلاح جدید را کشوده آنرا میان خویش تقسیم میکنند و در عین حال، کاغذ های چرب تحفظی سلاح ها به هر طرف پراکنده میباشند. قبل از آن، آیی اس آی دست به مانور ماهرانه دیگری در نواحی مرز میان دو کشور (افغانستان و پاکستان) زده بود و آن این بود که منسوبین آیی اس آی عده ای از سران مناطق قبایلی را دستور میدهد تا با سر و صدا های مصنوعی و تحریکات مذهبی، خواهان انفاذ شریعت در مناطق مربوط خویش شوند. آنان دست به کار شده به همراهی عده ای از ملا ها و رهبران مذهبی همچو شعار ها را بلند نموده تعدادی از مامورین و منسوبین حکومتی را گروگان می گیرند. مثلاً، صوفی محمد رئیس "تحریک انفاذ شریعه" یکی از این عناصر قبایلی بود که دست به چنین اقدامات زد. این مانور ها موجب شد که مقامات پاکستانی زیر نام "سوقیات عسکری علیه شورشیان" قیود گشت و گذار وضع نموده قشون پاکستانی را به نام "طالبان" از مرز عبور داده به اشغال قندهار بپردازند. همچنان مقامات آیی اس آی در همین شب و روز، غرض کاستن از سلاح های ثقیل جانب افغانی، دست به تاکتیک ماهرانه دیگری نیز یازید و چنین:

"اسماعیل خان خبرنگار ریوتر در پشاور گزارش میدهد که پولیس پاکستان و شبه نظامیان آن کشور در اجنسی های سرحدی شروع به خرید نفربر های زرهی ساخت شوروی، از جنگ سالاران افغان کرده اند که به قیمت بسیار نازل به فروش میرسد. از این نفربر های زرهی برای تأمین امنیت در مناطق سرحدی استفاده خواهد شد. مقامات محلی ایالت صوبه سرحد در پشاور دو ماه قبل نخستین عراده نفربر را در منطقه وزیرستان خرید و یک مقام پولیس پشاور میگوید "این مانند کشف یک معدن طلا است". تا حال چهار عراده خریداری گردیده و در نظر است تعداد بیشتری مورد معامله قرار گیرد. بعد از اینکه یک گروپ متخصصین به داخل افغانستان فرستاده شدند تا نفر بر های زرهی را قبل از خرید آزمایش کنند، نخستین معامله با یک قومندان افغان صورت گرفت و یک عراده زرهپوش با یکصد و چهل هزار کلدار برابر با چهار هزار و پنجصد دالر مبادله گردید. یک مقام پاکستانی گفت "این مبلغ کمتر از بهای یک موتر سوزوکی جاپانی میباشد" یک نفر بر زرهی ساخت غرب سه و نیم ملیون کلدار برابر با یکصد و چهارده هزار دالر قیمت دارد. . . پرداخت بهای این معاملات از حساب مخصوص صورت می گیرد که ظاهراً از نظر قانونی مشکلی ایجاد نمیکند. "یک مقام پاکستانی گفت: "قیمت ها چنان ارزان است که ما نمیتوانیم از خرید، خود داری کنیم. . ."

این جریان ننگین، اگر از یکطرف خیانت تنی چند از "قومندان" های احزاب و تنظیم های اسلامی-جهادی را برملا میسازد، از جانبی، خواننده را به عمق توطئه های استخبارات نظامی پاکستان علیه منافع ملی مردم افغانستان و خلع سلاح کردن مردم در اطراف سرحدات در برابر تهاجم آن کشور به افغانستان نیز متوجه میسازد.

حالا برمیگردیم به موضوع حمله "طالبان" به قندهار : در موقعیکه طالبان مرز را عبور نموده به شهر قندهار هجوم بردند، صلاحیتداران نظامی آن ولایت اشخاص آتی بودند: گل آغا مربوط محاذ ملی اسلامی والی. ملانقیب الله مربوط جمعیت اسلامی قومندان قول اردو (تجمع سپاه بزرگ در یک محل)، سرکاتب عطا محمد مربوط حزب اسلامی و امیر لالی مربوط جبهه نجات اسلامی.

اولین و عاجل ترین اقدام "طالبان" پس از عبور از مرز، رهائی کاروان حامل مالتجاره پاکستانی ها از دست افراد امیر لالی و همراهانش بود. در عین زمان، همین حرکت، نخستین علامه پاکستانی بودن این گروه نو ظهور را به نمایش گذاشت. شاهدان عینی در آن زمان گفتند که نخست، توپخانه ارتش پاکستان مواضع افغانی را به شدت کوبید و به تعقیب آن فوج مسلح آن کشور به نام "طالبان" داخل خاک افغانستان شدند. در نتیجه این برخوردها، نیروی حزب اسلامی به سرکردگی سرکاتب عطا محمد شکست خورده فرار میکند. قومندان "لالی" بعد از مقاومت کوتاهی دستگیر و اعدام میشود و ملا نقیب الله قومندان قول اردوی قندهار از در تسلیم و همکاری پیش می آید. هر چند در آن زمان گفته شد که ملانقیب الله که دو هزار و پنجمصد نفر مسلح در اختیار داشت، پول وافر از طرف پاکستان گرفت و تسلیم شد. "انتونی دیویس" این پول رشوه را یک ملیون و پنجمصد هزار دالر وانمود میکند. معاون قومندانی قول اردو به نام خان محمد که بالای نقیب الله آخذ زاده مشکوک شده بود، موضوع را توسط تیلیفون و به صورت مستقیم با برهان الدین ربانی رئیس جمهور در میان گذاشت و طالب هدایت شد، ولی دستور ربانی به وی چنین بود: "از نقیب اطاعت کن و با طالبان همکاری نما!"

به این ترتیب، راه برای پیشرفت های بعدی این گروه هموار گردید.

میگویند "کرنیل امام" یکی از افسران پشتون تبار آی. اس. آی پاکستان اوضاع را قبلاً در قندهار، از مجرای مالی و استخباراتی و . . . در جهت پیروزی "طالبان" مساعد ساخته بود. گروه "طالبان" وقتی ولایت قندهار را اشغال کردند، یک شورای پنج عضوی تصمیم گیرنده را به صورت عاجل برای اداره امور اعلام نمودند که متشکل از افراد آتی بود :

ملا عمر آخوندزاده رهبر شورا

ملا محمد ربانی معاون ملا عمر

ملا احسان الله رئیس اداری

ملا عباس سخنگوی

ملا محمد قومندان امنیت ساحه وی

وقتی این گروه، ولایت هلمند و غزنی و هرات را اشغال کردند، افراد دیگری را به نام "شورای مرکزی" معرفی نمودند که اسم و وظیفه هر یک از آنها در جلد دوم این اثر درج خواهد شد. همچنان داستان پیشتازیهای طالبان به سوی غزنی و کابل و پکتیا و جلال آباد و هرات و مزار و پروان و . . . رابا جزئیات بیشتر، در جلد دوم این اثر مطالعه خواهید فرمود.

(پایان جلد اول)